

# ● از واقع‌گرایی تا حقیقت

## مروری بر کتاب «قصه نو و انسان طراز نو»

جواد جزینی



قصه نو، انسان طراز نو  
چند مقاله از: آلن رب-گریه  
ترجمه دکتر محمدتقی غیائی  
چاپ اول: ۱۳۷۰  
تیراژ: ۵۵۰۰ نسخه  
موسسه انتشارات امیرکبیر  
۱۴۰۰، تهران

آثار موفق ترجمه‌شده به فارسی درباره «رمان نو» از عدد انگلستان يك دست تجاوز نمی‌کند. از آن میان کتاب ارزشمند «قصه رولن شناختی نو»<sup>(۱)</sup> نوشته له‌اون ایدل، که نقد و تفسیری است بر آثار چند نویسنده بزرگ رمان نو، مثل دوروتی ریچاردسون، مارسل پروست و جیمز جویس و «عصر بدگمانی» از خانم ناتالی ساروت<sup>(۲)</sup> و اخیراً هم کتاب ارزشمند «قصه نو و انسان طراز نو»<sup>(۳)</sup> از آلن رب-گریه، با ترجمه موفق از دکتر محمدتقی غیائی، توسط انتشارات امیرکبیر، به بازار کتاب راه یافته است.

این کتاب، از دو بخش عمده تشکیل می‌شود. بخش اول، مقاله‌ای است تحت عنوان «درآمدی به قصه‌های رب-گریه» به قلم دکتر محمد غیائی، که شامل زندگی‌نامه مختصری از رب-گریه، همراه با معرفی فشرده داستانهای «مدادپاک کن‌ها»، «بیننده»، «حسادت»، «خانه میعاد» و دو داستان دیگر این نویسنده است. در بخش دیگر، نظریه‌های ادبی رب-گریه، در ایجازی مفید و بدیع مطرح و در مقاله مختصر دیگری، نویسنده نگاه شتابزده‌ای دارد به درونمایه آثار رب-گریه.

بخش دوم که بخش اصلی کتاب تلقی می‌شود، گردآمده چند مقاله از آلن رب-گریه است. در اولین مقاله این بخش: «چند اصل باطل» رب-گریه، ضمن انتقاد شدید از منتقدان ادبی فرانسه و نقد سنتی حاکم بر جریانهای ادبی آن کشور، به وجوه اختلاف نگرش نویسنده رمان نو با نویسندگان سنتی درباره «شخصیت»، «واقعیت‌نمایی»، «صورت و محتوا» و «مسئولیت»... اشاره می‌کند. این مقاله مختصر، شاید صریح‌ترین و روشن‌ترین مقاله‌ای است که تا به حال از زبان بنیانگذاران آن نوشته شده است.

در سالهای اخیر، مقالات متعددی درباره داستان و رمان «تحلیلی نو» نوشته یا ترجمه شده است. اما، چه آنهایی که ذوق‌زده به ستایش آن پرداختند

جزئیاتی است شگفت‌انگیزتر: وی به جزئیاتی رجوع می‌کند، که قصه را دروغ جلوه‌گر سازد. این همان چیزی است که پس از دگرگونیها و تباهیهای بسیار در نوشته‌های آنان رخ می‌نماید.<sup>(۴)</sup>

آخرین مقاله کتاب: «زمان و توصیف در قصه امروز» دو عنصر اصلی و مهم قصه نو را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در قصه سنتی، توصیف، مشخص ساختن موقعیت اصلی صحنه داستانی و سپس روشن کردن عناصر تشکیل دهنده صحنه است. اما در قصه نو اشیاء بی‌اهمیت، چنان که هستند توصیف می‌شوند. در قصه سنتی، توصیف مدعی عکسبرداری از واقعیت است اما در قصه نو به تخریب و نابودی اشیاء دست می‌یازد. گویی اصرار توصیف در سخن گفتن از اشیاء، هدفی جز ایجاد آشفتگی و نامفهوم ساختن اشیاء و نابودی کامل آنها ندارد.

زمان در قصه نو از نگاه رب-گریه، شکل ویژه‌ای دارد. او معتقد است نقش زمان در قصه سنتی به نوعی عامل ساخت و مقایسه انسان است، چه در عروج به کمالات و چه در سقوط به منجلاب، زمان عامل دگرگونی است. اما در قصه نو، زمان از ویژگی خود محروم می‌شود و چیزی به اسم زمان، دیگر جاری نخواهد بود و حتی سازندگی خود را نیز از دست می‌دهد.

در هر حال، مطالعه چهار مقاله اصلی کتاب، از قلم کسی که بنیانگذار نظرگاه تازه‌ای - در ادبیات داستانی - است، می‌تواند شمایی کلی نظرات او را تصویر کند. این خصوصیت برای يك کتاب، ارزش کمی نیست.

### پانویس

۱. قصه رولن شناختی نو / له‌اون ایدل / ترجمه: ناهید سرمد / انتشارات سپاویر.
۲. عصر بدگمانی / ناتالی ساروت.
۳. قصه نو، انسان طراز نو / آلن رب-گریه / ترجمه: محمدتقی غیائی / انتشارات امیرکبیر / صفحه ۵۵.
۴. پیشین / صفحه ۸۹.

و چه آنها که با تلخی و تندى بر آن تاخته‌اند، هیچ‌گاه نگاه بی‌طرفانه‌ای بدان نینداخته‌اند. در مقاله «قصه نو، انسان طراز نو»، آلن رب-گریه، عقاید ناصوابی را که توسط منتقدان به نویسندگان «قصه نو» نسبت داده شده، مورد انتقاد قرار می‌دهد و به تفسیر و تبیین نظرگاه خود درباره «قصه نو» می‌پردازد. وی معتقد است که قصه نو يك نظریه نیست بلکه يك پژوهش است و اشاره می‌کند که قصه نو، آیین تازه‌ای بنیاد نکرده است.

«هر بار که شایعه‌سازان ادبی، به مدد تخیلات خویش، مقاصد و مفاهیم عجیب و غریبی از کارهای ما استنباط می‌کنند، و یا نیت نادرستی به ما نسبت می‌دهند و فلان منتقد اهل فن، این شایعات را منعکس می‌کند و خود بدان دامن می‌زند، بدون هیچ‌گونه شبهه می‌توان گفت که نسبت ما درست عکس آن است.»

در مقاله سوم کتاب «از واقع‌گرایی تا حقیقت» رب-گریه، می‌کوشد تا تلقی خویش را، از واقعیت‌گرایی در اثر ادبی، تبیین کند. هر چند تمام وجوه طرح‌شده در این مقاله، ناظر بر کلیه نظرات متفاوتی است که درباره رمان و قصه تحلیلی نو نوشته شده است، اما تعمیم آن بر تمامی آثار خلق شده ادبی، که با این نظرگاه نوشته شده، غیرممکن به نظر می‌رسد.

او درصدد است خط روشنی از تصور خود را در مورد واقعیت در رمان تحلیلی نو ترسیم کند و ابتدا تلاش می‌کند تا تلقی و برداشت مرسوم را از اصطلاح واقع‌گرایی با آنچه خود به عنوان واقعیت می‌پندارد، عوض کند. واقع‌نمایی یا به قول رب-گریه «حقیقت‌نمایی» عنصری ادبی محسوب می‌شود که بین واقعیت و حقیقت در نوسان است. او می‌گوید:

«در واقع‌گرایی نو، صحبتی از گزینش حقایق مبتذل و شناخته (ورسب) نیست. جزئیاتی که قصه را حقیقت‌نما می‌گرداند، مورد توجه قصه نو نیست. نه در تماشاخانه جهان و نه در زمینه ادبیات. چیزی که نظر قصه‌نویس را جلب می‌کند،

